

## متن پیاده سازی شده جلسه سوم سال سوم درس تفسیر قرآن کریم - 19 مهر 1402

فایل پیاده سازی شده : [کلیک کنید](#)

بسم الله الرحمن الرحيم

اشاره

بنا بر روایتی که درباره حضرت موسی (ع) نقل شد، ممکن است گفته شود در محاسبه الهی حتی از آن حضرت نیز عبادتی پذیرفته نبوده است، مگر ولایت با اولیای الهی و برائت از دشمنان خداوند. بیان این روایت سمبلیک و نموداری است و اثرگذار خواهد بود اما باید توجه داشت که نافی خلوص و ارزش عبادات حضرت نیست و تنها بیانگر اهمیت و جایگاه دوستی با اولیای الهی و دشمنی با دشمنان خداوند است.

با توجه به رویکرد بحث حاضر در بیان مسائلی از تفسیر آیات که کمتر بیان شده و یا مغفول واقع شده است، از تفصیل و بیان مسائلی که پیشتر مفسران و بزرگان بیان کرده اند، خودداری کرده و بحث در تفسیر سوره حمد را پایان می دهیم.

تفسیر سوره بقره

«الم»

در رابطه با مقاطعات تا پنج وجه و بلکه بیشتر در کتب تفسیری بیان شده است. در منابع تفسیری در این باره روایاتی از ائمه اطهار (ع) و اقوالی از دیگران (مانند ابن عباس و سعید بن جبیر) ذکر شده است.

برخی روایات، مقطعات را از متشابهات برشمرده که این فرمایش، بالوجدان نیز محسوس است. بیان دیگر در روایات، رمز بودن مقاطعات است؛ بدین معنا که این حروف به صفات خداوند متعال اشاره دارد. مانند اینکه در روایتی از امام رضا (ع) از امام جعفر صادق (ع) نقل شده که حضرت، «الف» در «الم» را رمز و اشاره به شش صفت از صفات الهی بیان فرموده اند. قریب به همین مضمون از ابن عباس نیز نقل شده است. او «الم» را «انا الله اعلم» معنا کرده است. روشن است که این بیان با بیان اول که مقطعات را از متشابهات برشمرده است، منافاتی ندارد.

بنا بر قولی ممکن است این مقاطعات، اشاره به تشکیل معانی بسیار رفیع قرآن کریم از حروف بسیط و ساده باشد. این مطلب تأکید بر اعجاز کلام خداوند است. در عین حال، تکرار مقاطعات در سوره های مشخص و با صورت های متفاوت، پذیرش این سخن را به عنوان احتمالی قابل اعتنا، مشکل می کند.

اعراب و موقعیت مقطعة «الم» نیز در منابع تفسیری مورد بحث قرار گرفته است. وجوه بسیاری در این باره گفته شده و وجوه دیگری نیز قابل فرض است. چه بسا گفته شود این حروف مقطعه مبتدا برای تمام قرآن کریم باشد؛ مانند آغاز یک سخنرانی طولانی با عبارت «قُولی» که در این صورت، «قُولی» مبتدا و ادامه سخن تا به آخر، خبر خواهد بود، یا بالعکس. پذیرش این اقوال و فروض مشکل به نظر می رسد؛ چرا که مقاطعات از متشابهات قرآن کریم است و ذکر وجه مشخصی برای اعراب آن نیز مناسب نیست. فرمایش برخی بزرگان مبنی بر حل شدن تمام متشابهات قرآن کریم نیز امری است که نمی توان بر آن برهان اقامه کرد.

«ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ»

کاف در نلک، تنها برای خطاب است و این واژه اشاره به بُعد دارد (برخلاف نا و ناک و هذا). این در حالی است که کتاب مورد اشاره، یعنی قرآن کریم، قریب است و مخاطب سخن پیامبر اکرم (ص) یا عامه مردم باشند، کتاب از آنان بعید نیست. در توجیه این مسئله گفته شده که اشاره به بعید برای پدیده ای نزدیک، در زبان عربی به قصد احترام و تفضیم آن استعمال می شود.

چنین استعمال عرفی آن را برای اشاره به دور می‌پذیرد، اما اختصاص آن را به چنین اشاره‌ای در علم لغت عربی نمی‌پذیرد.

### نکات محل تأمل در آیه

1. بنا بر دیدگاه ابن هشام «ال» در الکتاب، به معنای استغراق مجازی و نشان‌دهنده جایگاه رفیع و بیان کمال است؛ مانند زید الرجل. این سخن ذوقی و بدون دلیل است و عهد حضوری دانستن «ال» بدون مؤونه است؛ مگر اینکه استعمال یک لفظ در بیش از یک معنا را بپذیریم و هر دو معنای عهد حضوری و استغراق را در اینجا مراد بدانیم.
  2. تعبیر «کتاب» در این آیه، مورد استناد عده‌ای است که مدعی شده‌اند قرآن کریم در عصر پیامبر اکرم (ص) به شکل کتابی کامل درآمده است.
  3. در توصیف قرآن کریم، بدل از «هدی للضالین» یا «هدی للمتحرین»، به «هدی للمتقین» تعبیر شده است.
- نکات فوق در ادامه مورد بحث قرار خواهد گرفت.